آموزه‌های اقتصاد اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دورهٔ نخست، شمارهٔ ۱، بهار ـ تابستان ۱۴۰۰
نوع مقاله: ترویجی (۳۱ـ۵۸)

تحلیل کارکردی کنش‌های حمایتی مبتنی بر جامعه هدف در آموزه‌های قرآن*

□ سیدعلی‌نقی ایازی[۱]

چکیده

در فرهنگ دینی، کنش‌های مبتنی بر خیرخواهی و دگردوستی از نقاط قوت آدمی شمرده شده، مفاد آیات متعدد نیز به خوبی مؤید این نوع نگرش است؛ چنان که هیچ امری را بعد از انجام واجبات، مانند نیکی و خدمت به بندگان خداوند، باعث تقرب انسان به درگاه الهی نمی‌داند. جامعهٔ هدف کنش‌های حمایتی و کارکردهای مترتب بر آن نیز در این دسته از آیات بیان شده است.

این مطالعه در نظر دارد با استفاده از روش کیفی تحلیل محتوای استقرایی به بررسی کارکردی نظام هنجاری کنش‌های حمایتی مردم‌نهاد، مبتنی بر جامعهٔ هدف بپردازد و به این سؤالات پاسخ دهد: سازوکارهای کنش‌های حمایتی مبتنی بر تعالیم قرآنی چیست؟ چه گروه‌ها و طبقات اجتماعی از اهداف کنش‌های

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۷ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱.
این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس آموزه‌های قرآن با تأکید بر کنش‌های اجتماعی است که در سال ۱۳۹۵ و در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و توسط نویسنده صورت گرفته است.
۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (a.ayazi@isca.ac.ir).

حمایتی هستند؟ این کنش‌ها دارای چه کارکردهایی هستند؟
همچنین سازوکار کنش‌های حمایتی انفاق، احسان، صدقه، قرض‌الحسنه، خمس و زکات مورد بررسی قرار گرفت و فصل مشترک کارکردهای کنش‌های حمایتی از آموزه‌های قرآن، پیشرفت اقتصادی، آمرزش و گسستن از کجروی، پیشگیری از دوقطبی شدن جوامع و ایجاد انسجام و همبستگی، احسان به خویشتن و دریافت جزای بهتر، پالایش روح و روان از ناراستی شناسایی شد.
واژگان کلیدی: کنش حمایتی، انفاق، احسان، صدقه، قرض‌الحسنه، خمس، زکات.

مقدمه

بر اساس آموزه‌های دینی، نیکوکاری، کنش‌های مبتنی بر خیرخواهی و دگردوستی از نقاط قوت آدمی شمرده شده، چنان که آیات و روایات متواتر و سیره انبیا و اولیا به خوبی مؤید این نوع نگرش است. مفاد این دسته از تعالیم، هیچ امری را بعد از انجام واجبات مانند نیکی و خدمت به بندگان خداوند، باعث تقرب انسان به درگاه الهی نمی‌داند. بدین‌سبب است که سیرهٔ عملی انبیا و اولیای الهی، همواره در خدمت به مردم بوده است.

بنابراین کسانی که قصد دارند به سعادت و رستگاری دست یابند و در دنیا و آخرت، تعالی و تکامل روحی و معنوی داشته باشند، شایسته است که از طریق اعمال عبادی، با معبود خویش رابطه برقرار سازند؛ و دوم اینکه به واسطهٔ کنش‌های حمایتی، با مخلوقات خداوند ارتباط داشته باشند.

از دیگرسو با دقت در آیات مرتبط با کنش‌های حمایتی، می‌توان کارکرد رفع فقر و محرومیت، ایجاد تعادل بین اقشار و طبقات مختلف اجتماعی و نفی نظام مالی افسارگسیخته را احصا کرد؛ چنان که این دسته از کنش‌ها می‌تواند موجب کاهش فاصلهٔ طبقاتی و گسترش انسجام اجتماعی بین آحاد جامعه شود.

اهمیت و کارکردهای مترتب بر کنش‌های حمایتی در ایجاد جامعه‌ای مطلوب و آرمانی، نگارنده را بر آن داشت تا به تحلیل کارکردی این دسته از کنش‌ها در آموزه‌های قرآن بپردازد. از دیگرسو، مطالعه در موضوع یادشده و با رویکرد قرآنی کمتر صورت گرفته است. در این مجال برخی از آن‌ها گزارش می‌شود.

مقالهٔ «تحلیل کارکردی مراسم و مناسک دینی» که به بعد دینداری و رابطه آدمی با خداوند پرداخته و تحلیل کارکردی مناسک دینی و تعامل انسان با خداوند را مدّنظر قرار داده است؛ یا مقالهٔ «رفتارهای حمایتی و دلیل بروز آن‌ها» که به مطالعهٔ ماهیت رفتارهای حمایتی، عوامل و انگیزه‌ها و همچنین جهت آن‌ها با استفاده از روش میدانی پرداخته است. فرض شده که این رفتارها تحت تأثیر پیش‌شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی است و تفاوت‌های شناختی، شخصیتی و مادی (اقتصادی) به همراه محیط‌های اجتماعی از قبیل نهادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز آن‌ها مؤثر است (شکوری راد، ۱۳۸۴: ۳۵۷).

وجه تمایز این مطالعه، نگاه جدید به آموزه‌های قرآن، به منظور دریافت پیام‌های اجتماعی آن بوده که فصلی نو در مطالعات میان رشته‌ای قرآن و جامعه‌شناسی است. به عبارت دیگر، «این رویکرد نوعی نگرش و اعتقاد به این اصل است که قرآن افزون بر پیام‌های فردی، قوانین و احکام اجتماعی دارد که باید آن‌ها را برجسته کرد و قرائت جدیدی از آن ارائه داد» (ایازی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۳: ۸۲).

با این وصف، این مطالعه در نظر دارد با استفاده از تحلیل کارکردگرایانه به پردازش آیات با محتوای کنش‌های حمایتی، به بررسی جامعهٔ هدف و کارکردهای مترتب بر آن پرداخته، به سؤالات زیر پاسخ دهد: سازوکارهای تحقق روابط اجتماعی منجر به کنش‌های حمایتی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی چیست؟ چه کارکردهایی از این دسته کنش‌ها مورد انتظار است؟ کنش‌های حمایتی متوجه چه گروه‌ها و طبقات اجتماعی خواهد شد؟

روش مطالعه، کیفی بوده و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی استقرایی، براساس آموزه‌های قرآنی صورت گرفته است؛ زیرا «تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست» (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۰).

تعریف مفاهیم

مطالعهٔ مبتنی بر روش کیفی، نیازی به طرح چارچوب نظری نداشته و فقط تعاریف مفاهیم مرتبط با موضوع تحقیق خواهد داشت. لذا برخی از مفاهیم مرتبط با مطالعه

بازتعریف شده و ابعاد آن مورد کاوش قرار می‌گیرد.

حمایت اجتماعی

«حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت‌شدهٔ فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان و دیگرانِ مهم تعریف کرده‌اند» (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۸، به نقل از: سارافینو، ۱۹۹۸). دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت، چهار مولفهٔ کلیدی در حمایت اجتماعی برشمرده است: حمایت احساسی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت در ارزیابی و شناخت (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۹، به نقل از: سارافینو، ۱۹۹۸). هدف تحقیق در این مطالعه، بررسی حمایت‌های عینی در قرآن است. لذا با توجه به انطباق تعریف حمایت ابزاری با حمایت‌های عینی که در قرآن از آن‌ها یاد شده است، این نوشتار به حمایت اجتماعی ابزاری می‌پردازد.

حمایت اجتماعی ابزاری

حمایت ابزاری به کمک‌های مادی، عینی و واقعیِ دریافت‌شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می‌گردد. این نوع حمایت به افراد کمک می‌کند تا نیازهای روزانهٔ خود را تأمین نمایند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۸، به نقل از: درنتا و همکاران، ۲۰۰۶).

کنش حمایتی

نوعی کنش اجتماعی است که به منظور حمایت مادی و معنوی جامعهٔ هدف و تأمین نیاز عینی ایشان شکل گرفته است.

کارکرد[1]

«بهترین راه برای فهمیدن این واژه، در نظر گرفتن آن به عنوان یک اثر[2] است.... لازم به تأکید است که فونکسیون، الزاماً قصد نیست. ممکن است افرادی که درگیر در انجام کنشی هستند، هیچ تصوری از تأثیر کنش خود بر جامعه نداشته باشند. با

1. Function.
2. Effect.

این وصف، کنش تأثیر خود را می‌گذارد» (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۴۱).

کارکردگرایی

«کارکردگرایی را می‌توان به عنوان ارائه‌دهندهٔ الگوی مجرد و ذهنی مقولات و مفاهیم عامی در نظر گرفت که برای تبیین رفتارهای واقعی در جامعه ساخته شده‌اند» (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۲۸).

گیدنز در تعریف کارکردگرایی می‌نویسد:

«دیدگاهی نظری بر پایهٔ این اندیشه که رویدادهای اجتماعی را می‌توان به بهترین وجه بر حسب کارکردهایی که انجام می‌دهند، یعنی کمکی که به دوام و بقای جامعه می‌کنند، تبیین کرد» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۰۰).

مدل کارکردی به دنبال این است که مشخص کند یک ساختار معین، چه نیازی را برآورده کرده و خدمت خاص هر نهاد یا عمل در کل نظام اجتماعی چیست؟ در این نوشتار تلاش می‌شود تا ساختار کنش‌های حمایتی بازشناخته شده و متناسب با آن، کارکردهایش در نظام اجتماعی مشخص شود.

آموزه‌های قرآن

عبارت است از مجموعه تعالیمی که از آخرین کتاب الهی ـ که بر خاتم‌الانبیاء، محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله به منظور هدایت بشر نازل گردیده است ـ، اخذ شده است.

روش‌شناسی

در تحلیل محتوای کیفی استقرایی، پژوهشگر قصد دارد تا به لایه‌های پنهانی متن و مراد واقعی تولیدکنندهٔ پیام دست یابد و بر اساس آن، خطوط فکری پدیدآورنده را شناسایی کند. در این تجزیه و تحلیل، اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و... مورد بررسی قرار گرفته تا زمینه برای فهم دقیق‌تر فراهم آید. چنین تجزیه و تحلیلی با توجه به فهم دقیق از بستر تولید متن و محیطی که متن در آن ظهور یافته است، محقق خواهد شد و می‌تواند منجر به تفسیری واقع‌بینانه و نزدیک به مراد نویسنده شود. بنابراین «در تحلیل محتوای کیفی، نارسایی‌های موجود باعث ورود فعال محقق در فرایند تحقیق شده و منجر به

فهم موضوع تحقیق با در نظرداشت زمینهٔ ارتباطی (مانند نیت نویسندهٔ متن و بافت فرهنگی موضوع) و مختصات متن (مانند بافت غیر زبانی، نشانه‌شناسی، دستوری و...) می‌شود» (Mayring, 2003: 267)؛ چنان که «در تحلیل محتوای کیفی استخراج مقولات از متن و سپس طراحی مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی صورت می‌گیرد. با این وصف، استفادهٔ منطق استقراء در آن پذیرفتنی است» (Elo & Kyngäs, 2008: 107). منطق استقراء در سه مورد می‌تواند استفاده شود: تبدیل داده‌های خام گسترده به مجموعه‌ای از اطلاعات کوتاه و تلخیص‌شده، ایجاد پیوندهای واضح و شفاف بین داده‌های پراکنده (این خصوصیت می‌تواند قابلیت نمایش به دیگران را تسهیل کند) و توسعه مدل یا نظریه در مورد ساختار موضوع مورد مطالعه (با توجه به داده‌های خام) (Thomas, 2006: 2).

بنابراین منطبق با این روش، به منظور دستیابی به توسعهٔ مفهومی کنش حمایتی در آموزه‌های قرآن، ابتدا آیات مرتبط احصا شده و با توجه به دانش تفسیر، توجه به شروح و توضیحات مفسران در ذیل آیات اجتماعی، به شأن و دلیل نزول آیه و بستر فرهنگی آن، ارزش‌ها و اهدافی که در آن نهفته است، به تبیین کنش‌های حمایتی پرداخته شده و تجزیه و تحلیل کارکردی صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

به منظور شناسایی اهداف و کارکردهای کنش حمایتی، آیات مرتبط مفهوم‌سازی[1] شدند، سپس در مقولاتِ[2] مرتبط طبقه‌بندی شدند و نتایج به دست‌آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۱. سازوکارهای کنش حمایتی در قرآن

در تعاملات بین همنوع، کنش‌های حمایتی، اشاره به آن دسته از کنش‌هایی است که به منظور پشتیبانی و تأمین اجتماعی اعضای جامعه صورت می‌گیرد و در قالب مصادیقی در آیات قرآن به آن‌ها اشاره شده است.

1. Conceptualization.
2. Categories.

۱ـ۱. کنش حمایتی مبتنی بر انفاق

«در اصطلاح، انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هرآنچه خدا بدان فرمان داده است، می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۵/۲).

کنش مبتنی بر آن را کنش منفقانه گویند که دارای مفهومی عام بوده و شامل مصادیقی مانند احسان، صدقه، زکات، قرض‌الحسنه و... می‌باشد. در عین حال می‌توان تمایزاتی بین آن‌ها ترسیم کرد؛ برای مثال، نسبت میان صدقه و انفاق را عموم و خصوص مطلق دانست و چنین گفت: صدقات مصداقی از انفاق است؛ ولی خصوصیت قصد قربت در انفاق، آن را تبدیل به صدقه کرده است. به عبارت دیگر، انفاقی را که در آن قصد قربت لحاظ شود، صدقه گویند و به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می‌شود.

۱ـ۱ـ۱. اهداف در کنش منفقانه

یکی از اهداف، معطوف به هزینه‌کرد در جنگ‌هایی است که به جامعه اسلامی وارد شده است. از آنجایی که جنگ و پیکار با آرامش و امنیت ناسازگاری دارد، اعطاء نفقات در راه پیکار با دشمنان، زمینه‌ساز آرامش و امنیت خواهد شد. در اسلام، تأمین وسایل جهاد با دشمنان از واجبات شمرده شده است:

﴿وَأَنفِقُوا فِي سَبِيلِ اللهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره/ ۱۹۵)؛ «در راه خدا انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید».

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُم بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۷۳).

افرادی که به منظور پاسداری از مرزهای جوامع اسلامی از اشتغال به کارهای تولید سرمایه باز مانده‌اند، جامعهٔ هدف کنش‌های منفقانه‌اند. حصر در فقرا شامل «کسانی که به خاطر اشتغال به جهاد در راه خدا و نبرد با دشمن و یادگیری فنون جنگی یا تحصیل علوم لازم دیگر از تلاش برای معاش و تأمین هزینهٔ زندگی باز مانده‌اند، که یک نمونهٔ روشن آن، اصحاب صفه در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند» (مکارم شیرازی،

۱۳۷۱: ۳۵۶/۲) می‌شود. آیهٔ مزبور فقرا را کسانی معرفی می‌کند که عفاف و مناعت طبع ایشان، مانع از آن می‌شود که کسی عجز و ناداری ایشان را درک کند و لکن افرادی نیازمند هستند. ابراز ناداری و فقر، باعث اشاعهٔ روحیه گداپروری شده و تکثیر آن، چهره‌ای کریه و زشت به جامعه القا می‌کند و می‌تواند بار منفی برای آحاد جامعه داشته باشد و تبعات ناشایستی خواهد داشت. بنابراین کنش‌های منفقانه معطوف به ایشان، از تبعات ناشایست یادشده جلوگیری می‌کند.

شکل ۱: اهداف کنش منفقانه



۱ـ۱ـ۲. نظام کارکردی در کنش حمایتی انفاق

خداوند کنش منفقانه را به عنوان یکی از عوامل معنوی مهم در رشد و پیشرفت اقتصادی معرفی می‌کند و بر خلاف ظاهر انفاق که باعث کم شدن سرمایه است، خداوند وعده به جایگزین شدن اموال انفاق‌کننده می‌دهد (سبأ/ ۳۹).

«﴿فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (او جایش را پر می‌کند.) تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد آنچه در راه خدا انفاق گردد، در حقیقت یک تجارت پرسود است؛ چرا که خداوند عوض آن را بر عهده گرفته است و می‌دانیم هنگامی که شخص کریمی عوض چیزی را بر عهده می‌گیرد، رعایت برابری و مساوات نمی‌کند، بلکه چند برابر و گاه صد چندان می‌کند» (همان: ۱۱۷/۱۸).

چنان که در آیات دیگر (ر.ک: بقره/ ۲۶۱ و ۲۶۵) کنش منفقانه را عامل افزایش اموال معرفی می‌کند.

آمرزش و گذشت از مجازات نسبت به کجروی[۱]های گذشتهٔ کنشگر انفاق و وعده به افزایش سرمایه وی، از دیگر کارکردهایی است که بدان اشاره شده است (ر.ک: بقره/

۱. در جامعهٔ دینی (اسلامی)، (کجرو و منحرف) در صورت تزاحم با احکام فقهی و اخلاقی دین اسلام «گنهکار»شناخته می‌شود و همین، وجه مشترک ادبیات دینی با جامعه‌شناسی است (رفیعی موحد، ۱۳۹۳: ۸۴).

۲۶۸). بخشایش کجروی، موجب محو عوارض آن شده و زمینه‌ساز تعالی و رشد بشری می‌شود؛ چون کجروی، آثار روحی روانی نامساعد بر فرد تحمیل می‌کند.

از دیگر کارکردها، بازگشت آثار کنش حمایتیِ انفاق به کنشگر است (ر.ک: بقره/ ۲۷۲).

جلوگیری از دوقطبی شدن و فاصلهٔ طبقاتی بین فقیر و غنی از دیگر کارکردهاست؛ مسئله‌ای که در صورت گرفتار شدن جامعه به آن، مشکلات و مفاسد اجتماعی و اخلاقی زیادی همچون سرقت و ناامنی، اختلاس و فساد اداری و... را به همراه دارد که زیرساخت‌های حرکت اقتصادی و تولیدی را به خطر می‌اندازد.

«انفاق بهترین چاره به منظور جلوگیری از تجمع ثروت است. اگر ثروتمندان مال خود را در کارهای عام‌المنفعه مصرف کنند، هم شکاف جامعه پر می‌شود و هم خودشان با قلب آرام زندگی می‌کنند. جامعه‌ای که در آن انفاق حکم‌فرماست، از صمیمی‌ترین جامعه‌هاست که اهل آن با همدیگر صمیمی و مهربان هستند؛ حس همدردی و عاطفه در میان آن‌ها متجلی است» (قرشی بنابی، ۱۳۷۷: ۵۱۸/۱).

بنابراین انفاق نه تنها برای تأمین نیازهاست، بلکه می‌تواند دریچه‌ای برای راهیابی به قلب دیگران و وسیلهٔ انتقال محبت و پیوند جمعی باشد تا بداندیشی و کینه‌ها، تبدیل به محبت و رحمت عمومی شود. از سوی دیگر هر نوع انفاقی، گسستن و کنده شدن از علاقه‌ها و وابستگی‌های خودخواهانه و خودبینانه است که انسان را بسته و راکد و واژگون می‌سازد.

انفاق شامل پرداخت در تنگدستی و رفاه است (ر.ک: آل عمران/ ۱۳۴). طبیعی است که سفارش کمک به دیگران در گشاده‌دستی و رفاه، امری بدیهی است که نیاز به تعلیل پیچیده‌ای ندارد؛ ولی انفاق در تنگدستی می‌تواند ناظر به این توجیه باشد که تعالیم دینی می‌خواهد این امر را اشاعه دهد که ایجاد روحیهٔ انسجام و همبستگی مالی بین جامعهٔ متدین، مختص متمکنان نیست و همهٔ کسانی که به نحوی بتوانند در این امر مشارکت داشته باشند، دعوت شده‌اند. حس مشارکت و همدردی می‌تواند روحیهٔ تعاون را به وجود آورد.

شکل ۲: نظام کارکردی در کنش حمایتی انفاق

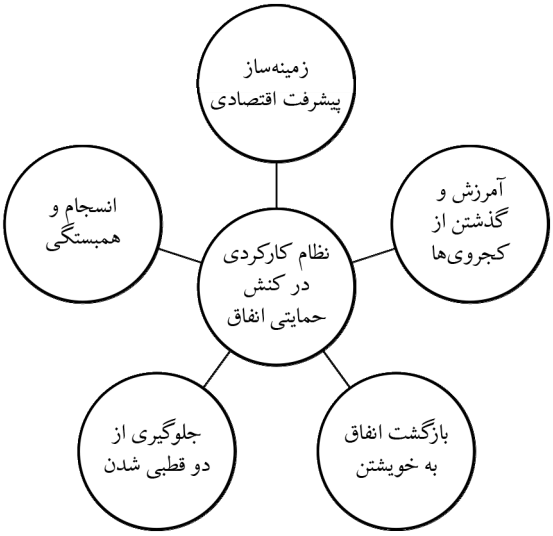

۱ـ۲. کنش حمایتی احسان

یکی از سازوکارهای کنش حمایتی و از مصادیق انفاق، «احسان» از ریشه «حُسن» بوده که در قرآن به سه معنا به کار رفته است: الف- نیکی به دیگران، ب- انجام کارها به وجه نیکو و کامل، ج- انجام اعمال و رفتار صالح. احسان در این کاربرد تقریباً مترادف با تقوا و پرهیزکاری است (تجری، ۱۳۸۶: ۲۰).

آنچه در این نوشتار مورد استناد قرار می‌گیرد، معطوف به معنای اول، نیکی به دیگران است. از مجموعه بررسی آیات قرآن به دست می‌آید که احسان، نوعی گذشت از حق شخصی و ایثار است.

> «احسان انجام هر عمل نیکی است که نیکی آن آشکار و مورد رغبت، همراه با تقوای نفس است و فرد آن عمل را در جایگاه شایسته‌اش، متناسب با ضوابط دینی و به عنوان عمل عبادی، در قالب خیر جوانحی و جوارحی و با فضل و بخشش، در راستای سرور و شادی دیگران و تکامل نفس و تقرب به خداوند انجام می‌دهد» (دهقانپور و بخشی، ۱۳۹۳: ۸۱).

در هر جامعه‌ای، برخی افراد به دلایلی قادر به تأمین مایحتاج زندگی خویش نیستند.

آیه ۹۰ سورهٔ نحل از کنش‌های حمایتی یاد می‌کند که می‌تواند در کمال عزت نفس و احترام به افراد عمل کرده و به دیگران نفع رسانده و باعث کاهش فقر و فاصله طبقاتی بین توانگران و ناتوانان شود. این نوع کنش موجب می‌شود تا وضعیت معیشتی قشر مستضعف بهبود یابد و متعاقب آن، مودت و محبت، گردش ثروت، ایجاد امنیت و سلامت عمومی در جامعه افزایش یابد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۴۷۹/۱۲).

۱ـ۲ـ۱. جامعه هدف در کنش حمایتی احسان

آیه ۱۷۷ بقره، «برّ» را صفت نیکوکارانی معرفی می‌کند که همزمان با درونی‌سازی عناصر دین‌ورزی، به تأمین نیازهای خویشاوندان، یتیمان، مساکین، در راه ماندگان، گدایان و بردگان می‌پردازند (همان: ۶۴۹/۱). این نوع ترتیب در رسیدگی، با توجه به توضیحات ذیل موضوعیت داشته و دارای اهمیت است؛ چنان که آیات مشابه بر چنین ترتیبی تأکید ورزیده‌اند.

آیه ۳۶ نساء، والدین را در رتبهٔ نخست از احسان شمرده و در برخی از تفاسیر، کنش محسنانه به ایشان را در تراز با سپاس از پروردگار بیان کرده است:

> «در آیات بسیاری، احسان به والدین را مقرون به ایمان و از لوازم ستایش پروردگار قرار داده است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۵۷/۴).

این نوع کنش در آموزه‌های دینی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چنان که آیات دیگری (بقره/ ۸۳؛ اسراء/ ۲۳؛ انعام/ ۱۵۱) نیز بدان تأکید ورزیده است؛ زیرا مبتنی بر تحلیل جامعه‌شناختی، خانواده اولین نهادی است که نقش به سزایی در جامعه‌پذیری[1] داشته و بستر جمعیت انسانی در هر جامعه‌ای است که به عنوان منبع انسانی از آن یاد می‌شود. این نهاد، کانون تولید مهرورزی بوده و می‌تواند این خصوصیت را به دیگر اعضای جامعه منتقل ساخته و مشوقی برای تشکیل سایر خانواده‌ها باشد؛ بنابراین چنانچه احسان به والدین در بین اعضا برچیده شود، انگیزه مستمری برای بقای نهاد خانواده نمانده و در نتیجه خانواده از هم پاشیده و نسل انسانی منقرض خواهد شد.

خویشاوندان پس از والدین، در اولویت احسان‌اند. اغنیا و متمکنان در نظام

1. Socialization.

خویشاوندی، نسبت به کم‌برخورداران و ناتوانان خویشاوند مسئولیت دارند و سزاوار نیست که از احسان به ایشان دریغ ورزند. احسان به این دسته، باعث تألیف قلوب در نظام خویشاوندی شده و مهر و محبت را افزایش داده و منجر به هم‌افزایی به منظور اهداف مشترک می‌شود.

«[قرآن با] دستور به نیکی کردن نسبت به همه خویشاوندان... می‌خواهد به این وسیله علاوه بر پیوند وسیعی که در میان تمام افراد بشر به وجود آورده، پیوندهای محکم‌تری در میان واحدهای کوچک‌تر و متشکل‌تر به نام "فامیل" و "خانواده" به‌وجود آورد تا در برابر مشکلات و حوادث یکدیگر را یاری دهند و از حقوق هم دفاع کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۹/۳).

تداوم کنش‌های حمایتی با خویشاوندان، احساس تنهایی و انزوا را از آدمی دور ساخته و با هم بودگی را تقویت می‌کند.

فرزندان محروم از والدین، از دیگر اهداف کنش‌های محسنانه هستند. احسان به این دسته، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد؛ چون یکی از عوامل کمال و تعالی، مبتنی بر نوع روابط و شکل تربیت‌پذیری در کانون خانواده است. کنش‌های حمایتی به این دسته در قالب تأمین مالی و نیازهای اساسی، می‌تواند تضمین‌کننده چنین مصونیتی باشد.

مساکین و فقرا، طبقه محروم و کم‌برخورداری هستند که مورد توجه کنش‌های محسنانه‌اند. نظام ناعادلانهٔ توزیع ثروت و سرمایه و تبعیض‌ها در جوامع می‌تواند دلیل ایجاد این طبقهٔ اجتماعی باشد. تکثیر و تزاید این طبقه می‌تواند مولد آسیب‌های اجتماعی باشد. لذا به منظور کاهش فاصله‌های طبقاتی، شایسته است که سیاستمداران، برنامه‌ریزان اجتماعی، اغنیا و ثروتمندان جامعه، نسبت به این پدیده شوم مسئولیت‌پذیر بوده و با کنش‌های حمایتی، مانع از وقوع مسائل اجتماعی شوند.

مسافران و در راه ماندگان کسانی هستند که اعضای یک جامعهٔ معین، نسبت به آن‌ها شناختی ندارند و وجه تمایز آن‌ها نسبت به دیگران، غربت ایشان است و کنش‌های حمایتی معطوف به ایشان، بدین‌جهت صورت می‌گیرد که می‌تواند فرد ناشناخته را از ارتکاب به نابهنجاری باز دارد.

بردگانِ در اسارت مسلمانان از دیگر اهداف کنش حمایتی‌اند. یکی از توجیهات برای این نوع مصرف، احتمالاً ناظر به این باشد که با این اقدام، نیروی کار به جامعه عرضه گردیده و زمینهٔ تعالی و رشد و انگیزهٔ مضاعف برای وی ایجاد شود:

«هدف این است که بردگان که عموماً مردمانی بی‌سواد هستند، در اثر تماس با طبقات مختلف جامعه، کم‌کم خوی وحشیگری خود را از دست داده و تغییر رفتار دهند و همین که اینان، روش کار و زندگی آموختند و ضمناً به دین اسلام گرویدند، آزاد شوند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۹۵/۲).

از دیگر اهداف کنش حمایتی احسان، همسایگان با در نظر گرفتن دور و نزدیک است:

«آیهٔ فوق، علاوه بر ذکر "همسایگان نزدیک"، تصریح به حق "همسایگان دور" کرده است؛ زیرا کلمهٔ همسایه معمولاً مفهوم محدودی دارد و تنها همسایگان نزدیک را دربرمی‌گیرد. لذا برای توجه دادن به وسعت مفهوم آن از نظر اسلام، راهی جز این نبوده که نامی از همسایگان دور نیز صریحاً برده شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸۱/۳).

محلات در جوامع شهری، یکی از موضوعات اساسی در جامعه‌شناسی شهری است که در جامعهٔ مدرن مورد غفلت قرار گرفته و به دست فراموشی سپرده شده است. این امر موجب نابسامانی‌های اجتماعی گشته است؛ چون کارکرد محلات در گذشته، حل و فصل نابسامانی‌های احتمالی نظام همسایگی بوده و در نگاه ایجابی، همسایگان در محلات از همبستگی و انسجام زایدالوصفی برخوردار بودند که حس واحدی در پیکرهٔ بزرگ‌تر را سبب می‌شدند؛ علاوه بر آنکه تأمین نیازهای مادی و معنوی همسایگان در محلات از وظایف ذاتی‌شان شمرده می‌شد. به این مهم در آموزه‌های دینی به درستی توجه شده و همسایگان به عنوان عنصری کلیدی در ارتباطات تلقی می‌شوند.

گروه دوستان از دیگر اهداف کنش حمایتی احسان قرار گرفته است؛ زیرا این گروه تأثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری می‌تواند شکل‌دهنده و تثبیت‌کنندهٔ عناصر نظام اجتماعی شود. در گروه دوستی، خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارد که به دلیل پایبندی اعضا نسبت به آن‌ها، افراد احساس «ما»ی بیشتری به هم می‌کنند و در نتیجه با احوال

یکدیگر بیشتر آشنا هستند. این وضعیت، احساس تعامل حمایت‌های دوسویه بین اعـضا را شکل داده و توسعه می‌یابد.

نویسندگان ***تفسیر نمونه*** در ذیل اهداف کنش‌های حمایتی محسنانهٔ معطوف به گروه دوستی، دایره و گسترهٔ آن را وسیع‌تر در نظر می‌گیرند:

> «"صاحب بالجنب" معنایی وسیع‌تر از دوست و رفیق دارد و در واقع هر کـسی را کـه به نوعی با انسان نشست و برخاست داشته باشد، در بر می‌گیرد؛ خواه دوسـت دائمـی باشد یا یک دوست موقت» (همان: ۳۸۲/۳).

با توجه به استدلال نویسندهٔ تفسیر ***المیـزان*** (طباطبـایی، ۱۳۶۳: ۵۶۲/۴)، شـاید بتـوان از ﴿مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ (بندگان و کنیزکان)، با تعبیر نوین آن به زیردستان و کـارگران تحـت امر تعبیر کرد. کنش‌های حمایتی محسنانهٔ معطـوف بـه ایـن دسـته از بنـدگان خداونـد، منجر به بهبود رابطه و تعامل بـین کارفرمـا و کارپیـشه شـده و طـرفین در صـدد جبـران احسان یکدیگرند. دریافت‌کننده پاداش از کارفرما، تـلاش و سـعی بیـشتری در تعامـل مثبت خواهد داشت و طبیعی است که این امر مـی‌توانـد بـه بهبـود مناسـبات اقتـصادی کمک کند.

شکل ۳: جامعهٔ هدف کنش محسنانه

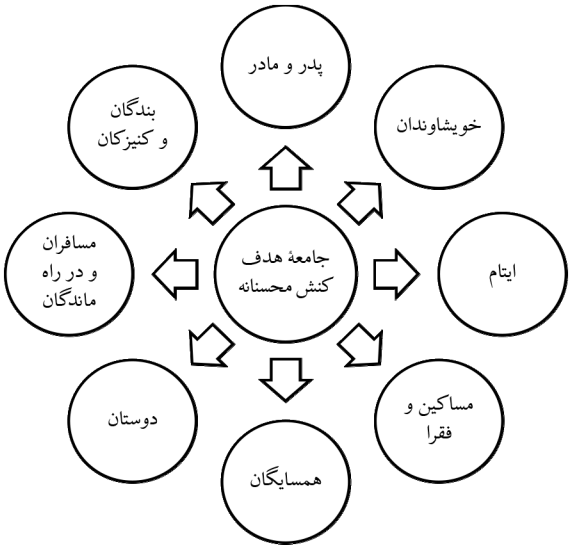

۱ـ۲ـ۲. نظام کارکردی در کنش حمایتی «احسان»

نیکی به خویشتن از کارکردهای کنش حمایتی محسنانه شمرده می‌شود. این معنا از آیه ۱۳۴ سوره بقره قابل برداشت است:

«در این آیه، به اصل کلی مسئولیت انسان‌ها در برابر اعمالشان اشاره شده است.... آیندهٔ هر کس در گرو اعمال خود اوست. هر کس آن چیزی را درو می‌کند که کاشته است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۱۱/۱ـ۴۱۲).

بنابراین نیکوکار از این قاعده مستثنا نبوده و با احسان به دیگران، مستوجب دریافت پاداش دنیوی و اخروی خواهد شد.

دفع فساد با احسان، از دیگر کارکردهایی است که در آیه ۷۷ قصص بدان تصریح شده است. چنانچه کنش‌های حمایتی به تأمین نیاز جامعهٔ هدف معطوف شود، می‌توان بسیاری از نابهنجاری‌ها را کنترل کرد؛ در غیر این صورت، امکان ابتلای به فساد جامعه بیشتر مهیاست. نویسنده تفسیر ***التبیان*** در تفسیر آیه چنین می‌نویسد:

«با استنکاف از پرداخت حقوق مستحقان [احسان به دیگران] و بذل مال در معاصی فسادجویی نکن» (طوسی، ۱۳۷۱: ۱۷۸/۸).

دریافت جزای بهتر برای محسن، از دیگر کارکردهایی است که از همین آیه قابل استنتاج است: ﴿مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا...﴾ (قصص/ ۸۴)؛ «هر که نیکویی کند، جزایی بهتر از آن دارد...».

شکل ۴: نظام کارکردی در کنش حمایتی احسان

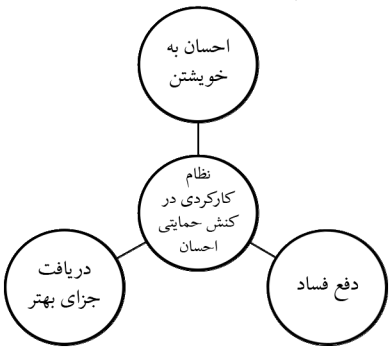

۱ـ۳. کنش حمایتی صدقه

پرداخت صدقه از دیگر مصادیق کنش حمایتی و قسمی از انفاقات بوده که آثار جذب منفعت و دفع بلا داشته، مورد تأکید قرار گرفته و می‌تواند زمینهٔ افزایش همگرایی اجتماعی را فراهم سازد. لذا این امر، مورد تشویق و توجه قرار گرفته و از مؤمنان خواسته شده تا با صدقه دادن، زمینهٔ رشدیافتگی خویش و جامعه‌شان را تضمین کنند.

۱ـ۳ـ۱. اهداف در کنش حمایتی صدقه

آیه ۲۸۰ سوره بقره، هدف از کنش حمایتی مبتنی بر صدقه را بخشش بدهیِ وامدارِ تهیدست معرفی کرده و از آن به عنوان امری پسندیده یاد می‌کند. هدف دیگر، بخشش خون‌بها از سوی خانواده مقتول (نساء/ ۹۲) و عفو از قصاص و چشم‌پوشی بدون دریافت بها در برابر آن (مائده/ ۴۵) بیان شده است.

بایسته است که این دسته از کنش‌ها توأم با حفظ آبرو و حیثیت اشخاص باشد (بقره/۲۶۳)؛ زیرا خداوند آبروی کسی را حفظ می‌کند که آبروی مؤمنی را حفظ کند.

«آیه فوق، منطق اسلام را در مورد ارزش‌های اجتماعی اشخاص و حیثیت مردم روشن می‌سازد و عمل آن‌هایی را که در حفظ این سرمایه‌های انسانی می‌کوشند و ارباب حاجت را با گفتار نیکو و احیاناً راهنمایی‌های لازم بهره‌مند کرده و هرگز اسرار آن‌ها را فاش نمی‌سازند، از بخشش افراد خودخواه و کوته‌نظری که در برابر کمک مختصری هزار گونه زخم زبان به افراد آبرومند می‌زنند و شخصیت آن‌ها را در هم می‌شکنند، برتر و بالاتر می‌شمرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۲۱/۲).

شکل ۵: اهداف کنش حمایتی صدقه

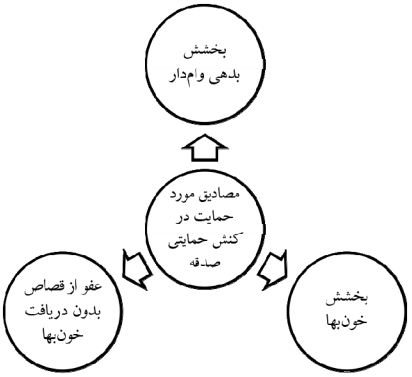

۱ـ۳ـ۲. نظام کارکردی در کنش حمایتی صدقه

خداوند صدقه دادن را عامل مهم برای گذشت از کجروی‌های گذشته دانسته (بقره/ ۲۷۱) تا بدین‌وسیله با اعطای فرصت، کجرو خود را از هر گونه زشتی و انحراف تخلیه کند و در سایهٔ چنین فرصتی، گام در طهارت نفس بردارد و به پالایش روح و روان خویش از هر گونه آلودگی دست یابد (مجادله/ ۱۲)؛ علاوه بر اینکه خداوند چنین کنشی را عامل برکت و افزایش توانمندی‌های مادی و معنوی برای رشد و تعالی بشر معرفی می‌کند (بقره/ ۲۷۶):

«یکی از خصوصیات صدقات، این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمهٔ قهری صدقه است و از آن جداشدنی نیست؛ چون باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش داده و دل‌ها را از اینکه به سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگراید، باز می‌دارد و نیز باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فنای اموال را می‌بندد و همهٔ این‌ها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا هم زیاد شود و چند برابر گردد» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۴۲/۲).

کارکرد دیگر، جلب و جذب محبوبیت خداوند و قرار گرفتن در گروه صالحان است (توبه/ ۷۵؛ منافقون/ ۱۰).

شکل ۶: نظام کارکردی در کنش حمایتی صدقه

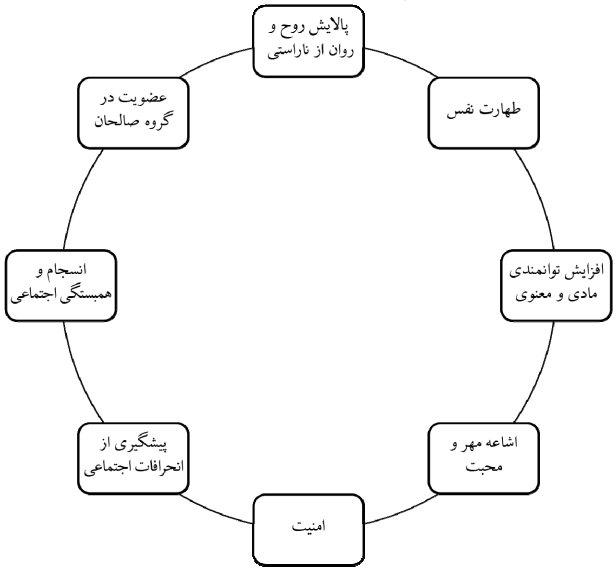

۱ـ۴. کنش حمایتی قرض‌الحسنه

کنش حمایتی قرض‌الحسنه در اصطلاح عبارت است از:

«عوض دارد؛ یعنی پولی که به عنوان قرض به کسی می‌دهیم، او عوض آن را خواهد داد؛ هر کار خوبی که برای خدا انجام بدهیم، چون خدا عوض و پاداش خواهد داد، گویی به خدا قرض می‌دهیم» (قرشی بنایی، ۱۳۷۵: ۴۵۴/۱).

قرض‌الحسنه به عنوان قسمی از انفاقات، دارای معانی متفاوتی در تعابیر فقهی و قرآنی است. قرض‌الحسنهٔ فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض‌دهنده آن را با قصد استرداد نه رایگان، به کسی می‌دهد، خواه عین آن یا مالیت آن در ضمن مالی دیگر برگردد؛ ولی قرض‌الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض‌الحسنهٔ فقهی نیز می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۵۸۷/۱۱).

آنچه در اینجا به عنوان کنش حمایتی از آن یاد می‌کنیم، قرض‌الحسنه قرآنی است و شامل مجموعه‌ای از کنش‌های حمایتی است که در آیات مختلف، مراد از آن انفاقات و صدقات جاریه به منظور ترغیب و تشویق و کمک به همنوع و رفع نیازهای آنان با عبارت قرض‌الحسنه به کار رفته است؛ چنان که اطلاق قرض در آیه ۲۴۵ سوره بقره، به کمک‌رسانی و انفاق مال به نیازمندان و جامعهٔ اسلامی نظر دارد. ***تفسیر من وحی القرآن*** در ذیل آیه ۲۴۵ سوره بقره می‌نویسد:

«دعوت به انفاق در راه خدا، شامل زمان صلح و جنگ جامعه اسلامی می‌شود. لذا در هر یک از مواقع یادشده که لازم باشد، مؤمنان دعوت به انفاق شده‌اند تا تقویت نظام اسلامی و تأمین امنیت صورت گیرد و بر ضعف‌های جامعه مسلمانان مستولی شوند» (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۸۱/۴).

از مجموع آیات احصاشده، اهداف خاصی برای کنش حمایتی قرض‌الحسنه به‌دست نیامد؛ ولی با توجه به اشتراک معنوی دو تعبیر قرض‌الحسنه با انفاقات و صدقات می‌توان اهداف این نوع کنش حمایتی را در معنای عام، کلیهٔ کسانی دانست که به منظور تأمین نیازهای روزمره، طلب قرض می‌کنند.

۱ـ۴ـ۱. نظام کارکردی در کنش حمایتی قرض‌الحسنه

کارکردهای این نوع کنش حمایتی در آیات مختلف به تعابیر گوناگون بیان شده است. در همه این آیات، مضاعف شدن پاداش از سوی خداوند وعده داده شده است:

«[آیه ۱۷ تغابن] از نظر تأکید درباره انفاق و بذل مال به زیردستان، آن را قرض به ساحت قدس پروردگار معرفی نموده است و در مقام ترغیب، به آنان وعده و مژده داده که در دنیا به زیادی نعمت و ثروت و رفاه در زندگی نائل خواهند شد؛ زیرا آنچه از مال به زیردستان انفاق شود، ساحت پروردگار آن را اخذ فرموده و عوض آن را در دنیا و آخرت ادا خواهد فرمود و در دنیا از ثروت و رفاه زندگی بیشتر استفاده خواهند نمود و در آخرت نیز مورد مغفرت و آمرزش قرار خواهند گرفت» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۴۱۳/۱۶).

نویسنده ***تفسیر من هدی القرآن*** در ذیل تفسیر آیه ۱۱ سوره حدید چنین می‌نویسد: تعبیر «یضاعف» در آیه، حاکی از چندین برابر شدن پاداش قرض‌دهنده است، و به آیه ۲۶۱ سوره بقره استشهاد می‌کند در تکثیر دانهٔ کاشته‌شده، و یا استناد به روایتی از امام علی علیه‌السلام که می‌فرماید: «صدقه باعث رشد و نمو مال آدمی می‌شود» (مجلسی، ۱۳۶۲: ۲۶۸/۷۷) و در مقام بیان جزای قرض‌الحسنه به این اکتفا نکرده و (بر این باور است که) برکت به جوانب زندگی آدمی عمومیت یافته و پیرامون او امتداد خواهد یافت و حتی به نوادگان او نیز خواهد رسید؛ چنان که این پاداش، شامل عقبای وی خواهد شد، بلکه در آن سرا بیشتر و بهتر خواهد بود (مدرسی، ۱۴۱۹: ۹/۱۵ـ۳۸).

«این آیه شریفه [حدید/ ۱۸]، داستان "أجر کریم" و "مضاعف" را دوباره خاطرنشان کرد تا به این وسیله نیز ترغیب در انفاق در راه خدا کرده باشد. در سابق انفاقگران را قرض‌دهندگان به خدا می‌خوانْد و در این آیه، صدقه‌دهندگان را نیز [قرض‌دهندگان به خدا] خوانده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸۵/۱۹).

﴿... وَأَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (مائده/ ۱۲)؛ «و به خدا قرض‌الحسنه بدهید، بدی‌هایتان را می‌زدایم و شما را به بهشت‌هایی داخل می‌کنم که در آن نهرها روان باشد و هر کس از شما که از آن پس کافر شود، راه راست را گم کرده است».

شکل ۷: نظام کارکردی در کنش حمایتی قرض‌الحسنه

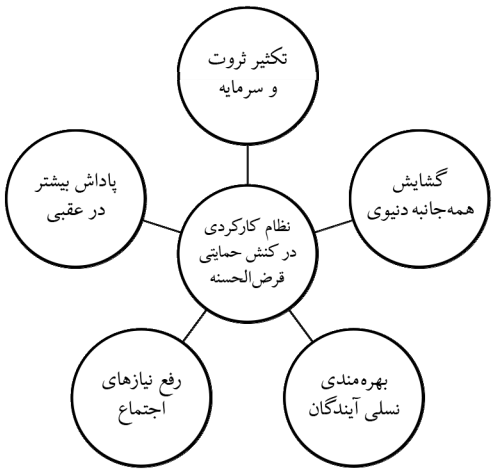

۱ـ۵. کنش حمایتی خمس و زکات

خمس و زکات از جمله سازوکارهای درآمدی جامعهٔ مسلمانان و از الزامات هنجاری است که در آیات متعددی بدان تأکید شده است. آیهٔ ۴۱ سوره انفال به وجوب پرداخت یک‌پنجم درآمد مازاد افراد و نیز یک‌پنجم گنج و معدن مورد بهره‌برداری و... اشاره دارد که در موارد معین، تحت نظر مرجع تقلید به اهداف خاص معطوف شده است.

آیات ۵۵ مائده، ۵۵ مریم، ۷۳ انبیاء، ۴ مؤمنون و ۷ فصلت نیز به کنش حمایتی الزام‌آور و ارزش‌محور زکات ناظر است که به منظور تأمین مایحتاج مسلمانان و برای اهداف مشخص در نظر گرفته شده است. در زکات، یک‌دهم از ماحصل فعالیت افراد، صرف بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و عمران و آبادانی و رسیدگی به امور مستمندان و... می‌شود.

در کنش حمایتی خمس، جابه‌جایی ثروت بین افراد خاص به منظور اعتلاء فرهنگ غنی اسلامی صورت می‌گیرد؛ ولی در کنش زکوی، انتقال ثروت و درآمد از افراد و صرف آن در عمران و آبادانی و ارتقاء معیشت مستمندان به صورت عام هدف است. به‌عبارت دیگر، خمس بعد نرم‌افزار و زکات بعد سخت‌افزار شریعت را پوشش می‌دهد. اگرچه جنس این دو کنش اقتصادی ـ عبادی است، ولی نمی‌توان به تبعات و آثار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن بی‌توجه بود. کارکرد صحیح اجرا کردن این دو کنش

حمایتی، می‌تواند شکاف‌های طبقاتی حاصل از ناتوانی افراد و نقایص نظام اقتصادی مؤثر بر نظام فرهنگی را جبران و مرتفع سازد.

۱ـ۵ـ۱. اهداف در کنش حمایتی خمس

اهداف در کنش حمایتی خمس در این آیه چنین بیان شده است: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ...﴾ (انفال/ ۴۱)؛ «بدانید هر گونه غنیمتی که نصیب شما می‌شود، یک‌پنجمش از آنِ خدا و پیامبر و ذی‌القربی [امامان اهل بیت علیهم‌السلام] و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه [از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله] می‌باشد».

«منظور از ذی‌القربی در این آیه، همه خویشاوندان نیست و نه همه خویشاوندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، بلکه امامان اهل بیت هستند.... با توجه به اینکه آن‌ها جانشینان پیامبر و رهبران حکومت اسلامی بوده و هستند، علت دادن این یک سهم از خمس به آن‌ها روشن می‌گردد. به تعبیر دیگر، "سهم خدا" و "سهم پیامبر" و "سهم ذی‌القربی" هر سه سهم متعلق به "رهبر حکومت اسلامی" است. او زندگی ساده خود را از آن اداره می‌کند و بقیه را در مخارج گوناگونی که لازمه مقام رهبری امت است، مصرف خواهد نمود؛ یعنی در حقیقت در نیازهای جامعه و مردم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷۴/۷).

شکل ۸: اهداف در کنش حمایتی خمس

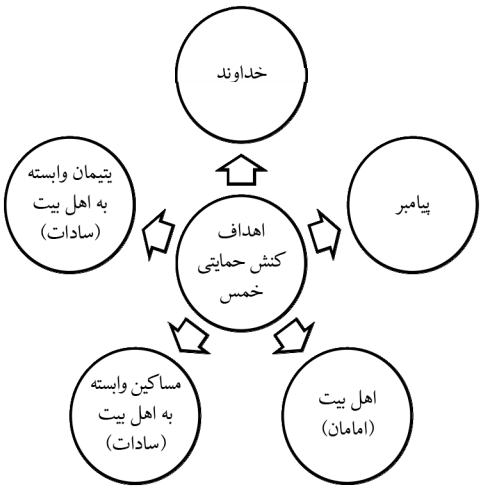

۱ـ۵ـ۲. اهداف در کنش حمایتی زکات

بنا بر آنچه که در رساله‌های عملیه مراجع عظام به عنوان هنجارهای شرعی از آموزه‌های دینی استنباط شده، اهداف کنش حمایتی زکات را برطرف نمودن نیازهای جاری جامعهٔ مسلمانان، تثبیت نظام اسلامی و رفع نابهنجاری‌های جامعه تعریف کرده‌اند.

فقرا و مساکین به عنوان طبقهٔ فرودست جامعه، که ناتوان از تأمین مخارج خویش‌اند، جامعهٔ هدف این کنش حمایتی هستند. بی‌توجهی و عدم التفات به معیشت این گروه اجتماعی می‌تواند ضربات سهمگینی بر نهاد خانواده گذاشته و در سطح کلان، نقاط آسیب‌پذیر برای جامعه محسوب شود.

مأموران جمع‌آوری زکوات به عنوان کارگزاران جامعهٔ اسلامی نیز از دیگر افراد جامعهٔ هدف هستند که عدم امعان نظر به آن‌ها نیز می‌تواند آسیب‌هایی را متوجه سازمان حمایت‌های اجتماعی نماید. نابسامانی سازمانی و یا تصرف‌های نابه‌جا و تجاوز به اموال جامعهٔ اسلامی، بخشی از این آسیب‌هاست.

نامسلمانان و کسانی که عناصر نظام فرهنگی جامعهٔ مسلمانان را درونی نکرده و نپذیرفته‌اند، در صورتی که با دریافت حمایت‌های مالی، زمینه اجتماعی شدن عناصر دینداری برایشان فراهم آید و یا باعث عدم همراهی‌شان با دشمنان شود، در زمرهٔ جامعهٔ هدف قرار می‌گیرند.

ورشکستگان مالی و کسانی که از عهدهٔ پرداخت دیون خود برنمی‌آیند، در جامعهٔ هدف قرار می‌گیرند. کمک به این دسته می‌تواند زمینه‌ساز بهبود اقتصاد در سطح کلان شود تا بدین‌وسیله این دسته افراد راغب شوند به امر تولید بپردازند؛ علاوه بر اینکه به روان‌سازی و بهبود تعاملات اجتماعی کمک می‌کند.

پرداختن به امور عام‌المنفعه که تسهیلات اجتماعی را برای طیف بسیاری از آحاد جامعه فراهم سازد؛ مانند ساخت مساجد، مدارس، پل‌ها و معابر.

شکل ۹: جامعهٔ هدف در کنش حمایتی زکات

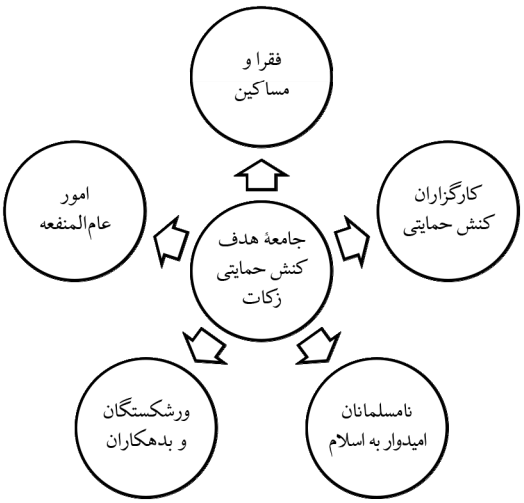

۱ـ۵ـ۳. نظام کارکردی در کنش حمایتی خمس و زکات

علاوه بر کارکردهای ضمنی که در اهداف کنش حمایتی خمس و زکات بدان اشاره شد، برخی آیات صراحت بیشتری در این موضوع دارند. خداوند در آیه ۲۶۱ بقره، یکی از کارکردهایی که برای پرداخت زکات برمی‌شمارند، عبارت است از: افزایش سرمایه و ثروت.

«یکی از بزرگ‌ترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن "حقوق الناس" و "حقوق الله" مورد اهتمام قرار داده و به طرق و انحای گوناگون، مردم را بدان وادار می‌سازد، انفاق است... و غرضش این بوده که بدین‌وسیله طبقات پایین را که نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران، حوائج زندگی خود را برآورند، مورد حمایت قرار داده تا سطح زندگی‌شان را بالا ببرند، تا افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک ساخته و اختلاف میان آن‌ها را از جهت ثروت و نعمات مادی کم کند... و غرض از این‌ها، ایجاد یک زندگی متوسطی است که فاصله طبقاتی در آن فاحش و بیش از اندازه نباشد، تا در نتیجه، ناموس وحدت و همبستگی زنده گشته، خواست‌های متضاد و کینه‌های دل و انگیزه‌های دشمنی بمیرند؛ چون هدف قرآن این است که زندگی بشر را در شئون مختلفش نظام ببخشد و طوری تربیتش دهد که سعادت انسان را در دنیا و آخرت تضمین نماید و بشر در سایه این نظام در معارفی حق و خالی از خرافه زندگی

کند، زندگی همه در جامعه‌ای باشد که جوّ فضایل اخلاق حاکم بر آن باشد و در نتیجه در عیشی پاک از آنچه خدا ارزانی‌اش داشته، استفاده کند و داده‌های خدا برایش نعمت باشد، نه عذاب و بلا، و در چنین جوّی، نواقص و مصائب مادی را برطرف کند» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۸۷/۲ـ۵۸۸).

شکل ۱۰: نظام کارکردی در کنش حمایتی خمس و زکات

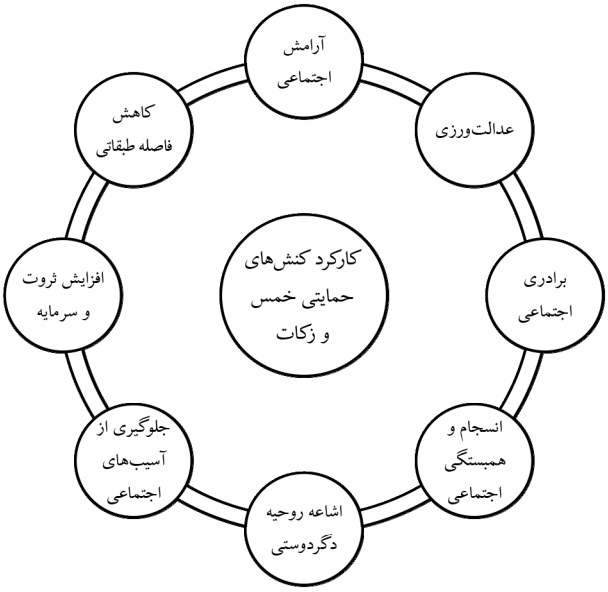

نتیجه‌گیری

در این مجال تلاش شده به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق به گونه‌ای پاسخ داده شود تا ضمن فراهم شدن امکان مرور سریع نتایج پژوهش برای خوانندگان، آمادگی لازم برای بحث و نتیجه‌گیری نهایی دربارهٔ موضوعِ مورد بررسی به دست آید.

در این تحقیق، تحلیل کارکردی کنش‌های حمایتی در آموزه‌های قرآن، مورد کاوش قرار گرفت و به استقراء جامعهٔ هدف در کنش‌های حمایتی و تحلیل کارکردی آن براساس آموزه‌های قرآنی پرداخته شد.

در محتوای کنش‌های حمایتی، به آن دسته از اوامر الهی پرداخته شد که از بندگانش خواسته در قالب‌های کنشی از قبیل احسان، صدقه، انفاق، خمس، زکات و

قرض‌الحسنه با همنوعان خویش در تعاملی گرم، عاطفی و مبتنی بر محبت و عام‌گرایانه، به دور از خشونت و کاربرد ادبیات سخیف و رنج‌آور، به تبادل محبت و اعطای سرمایه و ثروت خویش به نیازمندان بپردازند. این نوع عملکرد مبتنی بر ارزشی دینی است که در بین متدینان به شریعت درونی شده، و بر اساس آن دست به کنش زده و زمینهٔ شکل‌گیری هنجارهایی می‌شود که مبنایی دینی دارد. این دسته از هنجارهای شکل‌گرفته از باورها و ارزش‌ها، می‌تواند به فرایند محتواسازی کمک کرده و زمینهٔ تثبیت‌یافتگی کنش‌های حمایتی را فراهم سازد.

از نهاد خانواده به عنوان الگوی روابط بین اعضا سخن به میان آمد و به مقولاتی مانند نوع ارتباط بین فرزندان و والدین در تبادل محبت و اعطای سرمایه و ثروت اشاره شد. از دیگرسو، نظام خویشاوندی مورد توجه قرار گرفت و از روابط درونی در آن، که به تسهیل‌سازی و تثبیت تعاملات اجتماعی مبتنی بر محبت و حمایت‌های چندجانبه می‌انجامد، سخن به میان آمد و در آن قالب‌هایی مانند صله رحم ترسیم گردید؛ چنان که از صله رحم به عنوان مصداقی از کنش عاطفی گسترده در کنش‌های متقابل اجتماعی در تعالیم دینی یاد می‌کنیم.

از گروه دوستان، به عنوان اهداف کنش حمایتی یاد کردیم. گروه‌های دوستی به‌دلیل وجود علایق و تجربیات مشترکی که بین اعضای آن وجود داشته و موجب گردهمایی آنان شده، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری و تداوم کنش‌های حمایتی شود.

نظام همسایگی نیز بستر مناسبی برای شکل‌گیری و تثبیت کنش‌های حمایتی است. در این ساختار اعضای محلات احساس همبستگی کرده و خویش را از یک خانواده وسیع‌تری می‌بینند که کنش‌های متقابل آنان در راستای حمایت از همدیگر تعریف شده است.

طبقات و اقشار مختلف اجتماعی نیز می‌توانند با استفاده از ظرفیت خویش و به‌منظور تثبیت و توسعه تبادلات اجتماعی، کنش‌های مبتنی بر حمایت‌های اجتماعی را شکل داده و اشاعه‌دهندهٔ آن باشند.

شکل ۱۱: جامعهٔ هدف در کنش‌های حمایتی

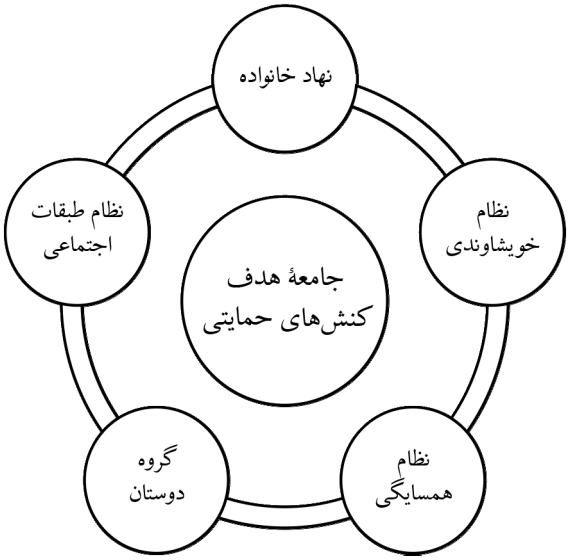

کنش‌های حمایتی که در تعامل با همنوع صورت می‌گیرد، از جایگاه ویژه‌ای در این تحلیل برخوردار بوده، به طوری که منجر به توسعه و هم‌افزایی اجتماعی بین اعضای جامعه شده و زمینه‌ساز صمیمیت‌های اجتماعی، با هم بودگی، انسجام و گسترش روابط شده و مولد روابط عاطفی به دور از کینه و روابط گرم و عاطفی شده و در نتیجه، تراکم کنش‌های معطوف به هدف رشد و تعالی، هدف از خلقت آدمی را فراهم کرده است. از دیگرسو، روابط برخوردار از مهر و محبت، خیرخواهانه، عام‌گرا و عاری از خشم، زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی در بین اعضای جامعه می‌شود.

کتاب‌شناسی

۱. اسکیدمور، ویلیام، ***تفکر نظری در جامعه‌شناسی***، ترجمه محمد مقدس و همکاران، تهران، سفیر، ۱۳۷۲ش.

۲. ایازی، سیدعلی‌نقی، و علی ربانی خوراسگانی، «موانع اجتماعی تفکر در الگوی اسلامی پیشرفت بر اساس نظریه‌پردازی داده‌محور از قرآن»، ***فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی***، سال بیست و پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۵۴)، تابستان ۱۳۹۳ ش.

۳. ایمان، محمدتقی، و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، ***نشریه پژوهش***، سال سوم، شماره ۲ (پیاپی ۶)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.

۴. تجری، علی‌اصغر، «بررسی مفهوم احسان و محسنین در قرآن کریم»، ***نشریه معارف***، شماره ۴۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۶ ش.

۵. توسلی، غلامعباس، ***نظریه‌های جامعه‌شناسی***، تهران، سمت، ۱۳۶۹ ش.

۶. جوادی آملی، عبدالله، ***تسنیم تفسیر قرآن کریم***، قم، اسراء، ۱۳۸۵ ش.

۷. حسینی همدانی، سیدمحمدحسین، ***انوار درخشان***، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتاب‌فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق.

۸. دهقانپور، علیرضا، و ژیلا بخشی، «معناشناسی احسان در قرآن»، ***نشریه پژوهشنامه معارف قرآنی***، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۳ ش.

۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، ***تفسیر قرآن مهر***، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.

۱۰. رفیعی موحد، مهدی، «مفهوم‌شناسی مقایسه‌ای گناه در قرآن و جامعه‌شناسی»، ***فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق***، سال هفتم، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۹۳ ش.

۱۱. ریاحی، محمداسماعیل، اکبر علی‌وردی‌نیا، و سیده‌زینب پورحسین، «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان»، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال دهم، شماره ۳۹، زمستان ۱۳۸۹ ش.

۱۲. شکوری، علی، «رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آن‌ها»، ***فصلنامه رفاه اجتماعی***، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۱۳۸۴ ش.

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ***ترجمه تفسیر المیزان***، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۱۴. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، ***ترجمه تفسیر مجمع البیان***، ترجمه حسین نوری و دیگران، تهران، فراهانی، بی‌تا.

۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

۱۶. فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ***تفسیر من وحی القرآن***، بیروت، دار الملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.

۱۷. قرشی بنابی، سیدعلی‌اکبر، ***تفسیر احسن الحدیث***، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.

۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، ***بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام***، تحقیق و تعلیق سیدجواد علوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.

۱۹. مدرسی، سیدمحمدتقی، ***من هدی القرآن***، تهران، دار محبّی الحسین علیه‌السلام، ۱۴۱۹ ق.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ***تفسیر نمونه***، تهران دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

21. Elo, Satu & Helvi Kyngäs, "The Qualitative Content Analysis Process", ***Journal of Advanced Nursing***, Vol. 62(1), Wiley Online Library, April 2008.

22. Mayring, Philipp, ***A Companion to Qualitative Research***, Uwe Flick, Ernst von Kardorff and Ines Steinke (Eds.), London, Sage Publication, 2003.
23. Thomas, David R., "A General Inductive Approach for Qualitative Data Analysis", ***American Journal of Evaluation***, Vo1. 27(2), 2006.